

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۶، تابستان ۱۴۰۲، صص ۴۵۵-۴۷۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1961693.2539](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1961693.2539)

بررسی رنگ در ادبیات معاصر فارسی و عربی (مطالعه موردی اشعار قیصر امین‌پور و آدونیس)

الهام کریمی<sup>۱</sup>، دکتر رحیمه چولانیان<sup>۲</sup>، دکتر سهاد جادری<sup>۳</sup>

### چکیده

عناصر اساسی در تصاویر ادبی و صور خیالی همچون استعاره، تشبیه، کنایه، مجاز، مطابقت حواس و غیره، به رنگ‌ها بستگی دارند، رنگ جایگاه مهم و برجسته‌ای دارد؛ زیرا به کلمات ادبی بُعد، جهت و عمق می‌بخشد و نیز تأثیر فراوان آن در زندگی و روحيات ما نمایان است، شاعران از این عنصر برای عینیت بخشیدن به مفاهیم ادبی خود بهره می‌جویند. تأثیر وافر رنگ‌ها، بسیاری از محققین را به بررسی اثرات و ابعاد آن‌ها، چه مثبت و چه منفی تشویق نموده و هر یک از آن‌ها به گونه‌ای سعی در نشان دادن این تأثیرات به دیگران هستند. در این مقاله تلاش شده است تا با شیوه توصیفی- تطبیقی به بررسی رنگ به عنوان یکی از عناصر اصلی و مهم در ادبیات معاصر، به ویژه در اشعار آدونیس و قیصر امین‌پور، و نیز به ارزیابی اشعار این دو شاعر سوری و ایرانی پرداخته شود. بارزترین دستاورد این پژوهش آن است که این دو شاعر شش رنگ سیاه، سفید، آبی، سبز، قرمز و زرد را با کمیت‌های مختلفی جهت انعکاس و بیان مقاصد و مضامین مختلفی که اغلب ناشی از شرایط اجتماعی جامعه بود، به کار بردند و از کاربست نمادین آن‌ها جهت افزودن به غنای اشعار خود بهره بردند.

**واژه‌های کلیدی:** رنگ، ادبیات تطبیقی، ادبیات معاصر، قیصر امین‌پور، آدونیس.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

Kariminews@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. (نویسنده مسؤل)

Ra.Choulanian1349@iau.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

sohad.jadri@iau.ac.ir



## مقدمه

رنگ نقش و جایگاه برجسته‌ای در شکل‌گیری قصاید و اشعار معاصر پیدا کرده است. رنگ در شعر معاصر به زبانی نمادین تبدیل شده است. شاعران معاصر از رنگ به عنوان یکی از موضوعات مورد بحث در شعر معاصر، و نیز تحت تأثیر قضایای مختلف اجتماعی و سیاسی بسیار استفاده نموده‌اند. شاعر معاصر گاه به جهت نمایان ساختن ارزش‌های درونی خود، از رنگ‌ها برای زیبایی نفسانی استفاده می‌کند و گاه از این مراحل می‌گذرد و به معانی نمادین رنگ‌ها می‌پردازد به گونه‌ای که با کمک رنگ‌های روشن افکار خود را در قالب یک نماد ترسیم می‌کند.

رنگ از عناصر فعال در شکل‌گیری تصاویر شاعرانه است. در واقع رنگ‌ها حس بینایی انسان را تحریک می‌کنند تا خیال‌پردازی‌های شاعرانه را بهتر و عمیق‌تر به تصویر بکشند و گاهی به عنوان زبانی برای گفتگو با مخاطب عمل می‌کنند؛ زیرا پاره‌ای از عواطف و احساسات شاعر نمی‌تواند در قالب کلمات بیان شود.

هر رنگی تحت تأثیر فیزیولوژی رنگ‌ها، معنای روانشناختی خاص خود را دارد. آدونیس و قیصر امین‌پور از شاعران برجسته معاصر هستند که آثار ادبی منحصر به فردی خلق کرده‌اند به گونه‌ای که در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفتند. در این مقاله سعی بر آن است تا با توجه به رویکرد تطبیقی آمریکایی، به بررسی رنگ‌ها و تأثیرات آن‌ها و نیز میزان بهره‌گیری از رنگ‌ها و اشتراکاتی که در استفاده از آن‌ها وجود دارد، به این دو سؤال پاسخ داده شود: (۱) اغلب رنگ‌هایی که در اشعار آدونیس و قیصر امین‌پور استفاده شده‌اند، کدامند؟ (۲) معانی مشترک در رنگ‌های به کار رفته در اشعار آدونیس و امین‌پور کدامند؟

## پیشینه تحقیق

رنگ‌ها موضوع مورد علاقه بسیاری از محققین است، به طوری که در این زمینه کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته‌اند، اما در رابطه با «رنگ در شعر آدونیس و قیصر امین‌پور» به صورت تطبیقی کتاب یا مقاله‌ای یافت نشد. در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که تا حدودی نزدیک به موضوع این مقاله است اشاره می‌کنیم:

«زبان و رنگ، ۱۹۸۲م، احمد مختار عمر، نشر: دارالعلم الکتب. چاپ: ۱۹۹۷»: نویسنده در این کتاب از وجه تسمیه رنگ‌ها در طول تاریخ، واژگان اولیه و فرعی رنگ‌ها و معیارهای استفاده از

رنگ‌ها صحبت کرده و با ذکر انواعی از رنگ‌ها و تحلیل روانشناختی آن‌ها بحث خود را به پایان رسانده است.

مقاله «دلالت‌شناسی رنگ و جایگاه آن در مبانی ادبیات پایداری (نمونه مورد پژوهش: نزار قبانی)، ۱۳۹۳، یدالله پاشابادی در نشریه ادبیات پایداری کرمان»: نگارنده در این مقاله به بررسی به کارگیری اهمیت معنایی در اشعار مقاومت نزار قبانی و میزان پیوند رنگ‌ها با ادبیات مقاومت در اشعار این شاعر پرداخته است.

مقاله «بررسی تطبیقی کارکرد رنگ در اشعار نزار قبانی و سهراب سپهری»، ۱۳۹۷، عبدالرزاق رحمانی و احمد نور وحیدی، نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت»: نگارندگان در این مقاله به مقایسه ادبیات معاصر عربی و فارسی پرداخته و از هر کدام دو شاعر به نام‌های نزار قبانی و سهراب سپهری را گزینش کرده و سپس به مقایسه تطبیقی بین آن‌ها، و تأثیر رنگ‌ها بر شعر این دو شاعر پرداخته‌اند.

### روش تحقیق

روش تحقیق نگارندگان در پژوهش حاضر، ترکیبی از روش توصیفی-تحلیلی و روش تطبیقی است که در آن رنگ در شعر قیصر امین‌پور، شاعر معاصر فارسی و آدونیس، شاعر معاصر عربی به صورت تطبیقی بررسی می‌شود.

### مبانی تحقیق

#### دلالت‌های معنایی رنگ‌ها و نمادهای آن

«نماد» یکی از مهم‌ترین صنعت‌های ادبی است و وجه تمایز نماد، ابهام، روشن نبودن و غیرمستقیم بودن آن است؛ بدین معنی که در نماد هدف و مراد معنای ظاهری کلمه نیست، بلکه مفهومی عمیق‌تر مد نظر است. نمادگرایان معتقدند: «شعر یک تصویر نیست بلکه تجلی یک حالت ذهنی است. عرصه شعر زمانی آغاز می‌شود که از واقعیت جدا می‌شود و این عرصه تا بی‌نهایت ادامه دارد» (سید حسینی، ۲۰۰۲: ۴۸۲). رنگ‌ها، معانی نمادین و شناخت ویژگی‌های آن‌ها به پیشینه فرهنگ ملل مختلف و باورهای کهن آن ملت‌ها بازمی‌گردد. از طریق این عناصر رنگ می‌توان سلیقه، باورها و تمایلات افراد را شناسایی کرد. از دیدگاه روان‌شناسان، تمایل نشان دادن به هر رنگی نشان‌دهنده شخصیت افراد است. روان‌شناسان برای شناسایی لایه‌های ظریف شخصیت انسان، با ظرافت خاصی از رنگ‌ها بهره می‌جویند. یونگ به استفاده از رنگ

در هنگام نقاشی تشویق می‌کرد تا شخص بتواند عمیق‌ترین بخش ناخودآگاه خود را آشکار کند و توانایی برقراری ارتباط بین ناخودآگاه و آگاهی را برای دستیابی به سلامت روان نشان دهد (ر.ک: سان و دورتی، ۱۳۷۶: ۵۸). از آنجایی که ادراکات ما با رنگ‌ها هماهنگی دارد، رابطه بین انسان و رنگ را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم و نتیجه بیانگر آن است که رنگ به طور معجزه‌آسایی منعکس‌کننده خلق و خو، عواطف و حالات جسمانی انسان است.

### ادبیات تطبیقی

ادبیات تطبیقی یکی از روش‌های تحقیقی است که ادبیات کشورهای مختلف جهان را بررسی می‌کند. «طه ندا» از پایه‌گذاران ادبیات تطبیقی در شرق، مطالعه در ادبیات تطبیقی را توصیف فرآیند انتقال از یک ادبیات به ادبیات دیگر معنی می‌کند (ر.ک: ندا، ۱۳۸۰: ۲۷) که این انتقال الفاظ و مفردات، انواع ادبی، عواطف و احساسات و افکار و اندیشه‌ها را در بر می‌گیرد (ر.ک: انوشه، ۱۳۷۶: ج ۲: ۴۱).

موضوع تحقیقات این علم پژوهش در موارد تلاقی ادبیات در زبان‌های مختلف، یافتن پیوندهای پیچیده و متعدد ادب در گذشته و حال و به‌طور کلی ارائه نقشی که پیوندهای تاریخی در تأثیر و تأثر داشته است، چه از جنبه‌های اصول فنی در انواع مکاتب ادبی و چه از دیدگاه جریان‌های فکری. ادبیات تطبیقی در کلیه زمینه‌هایی که در ارتباط با طبیعت موضوعات و حوادث و اشخاص قرار می‌گیرد، و صورت یک بیان ادبی پیدا می‌کند با موازنه تقریباً در همین سطح قرار دارد و موازنه بحث در ادبیات مرزهای داخلی است و مقارنه در سطح برون‌مرزی است. و بعضی نیز ادبیات‌سنجی را به کار برده‌اند (ر.ک: آیت‌الله زاده شیرازی، ۱۳۶۲: ۸۷).

### معرفی قیصر امین‌پور

قیصر امین‌پور در اردیبهشت ۱۳۳۸ در دزفول متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همانجا به پایان رساند (ر.ک: ابراهیم سلیم، ۲۰۰۹م: ۳). در سال ۱۳۵۷ در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد، ولی سال ۱۳۵۸ انصراف داد و در سال ۱۳۶۰، دبیر صفحه شعر هفته‌نامه سروش شد (ر.ک: اقتصادی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۳۸). وی در سال ۱۳۶۳ به دانشگاه به رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بازگشت و در سال ۱۳۷۶ به درجه دکتری از دانشگاه تهران نایل شد. او سرودن شعر را سال‌ها قبل از انقلاب

شروع کرد و علاوه بر سرودن شعر در هنرهای دیگری نظیر خط، نقاشی، هنرهای تجسمی و قصه‌نویسی نیز توانا بود، اما عمده‌ترین فعالیتش در زمینه شعر بود. چنان که می‌توان او را به عنوان یکی از شاعران پر کار و فعال دوره خویش مطرح ساخت. آثار به جای مانده از قیصر امین‌پور را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) آثار منظوم: تنفس صبح و کوچه آفتاب، آینه‌های ناگهان، گل‌ها همه آفتابگردانند، دستور زبان عشق، شعر نوجوان، منظومه ظهر روز دهم، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو.  
ب) آثار مثنوی: طوفان در پرائتز (نثر ادبی برای نوجوانان)، بی بال پریدن (برای نوجوانان)، پژوهش‌های ادبی، سنت و نوآوری در شعر معاصر، شعر و کودکی.  
او در آبان ماه سال ۱۳۸۶ بر اثر عارضه قلبی درگذشت.

### معرفی آدونیس

علی احمد سعید معروف به آدونیس از شاعران متجدد در نوامبر ۱۹۳۰ در روستای القصابین در نزدیکی شهر لاذقیه سوریه و در خانواده‌ای کشاورز متولد شد. از کودکی به حفظ قرآن پرداخت و در محضر پدر به یادگیری علم و ادبیات و شعر روی آورد. در ۱۴ سالگی مورد توجه رئیس جمهور قرار گرفت و به مدرسه لاییک فرانسه در طرطوس فرستاده شد. او تحصیلات خود را در گروه ادبیات در پیش گرفت و در رشته فلسفه به پایان رساند (ر.ک: الخیر، ۲۰۰۶م: ۹-۱۰). زندگی وی فراز و نشیب بسیار داشت و حتی به خاطر فعالیت‌های سیاسی زندانی هم شد و پس از آزادی از زندان و ازدواج، به لبنان مهاجرت کرد. آدونیس از شاعران معاصر عربی بسیار پرکار است. از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به این موارد اشاره کرد: قصائد اولی، أوراق فی الريح، أغانی مهیار الدمشقی، کتاب التحولات والهجرة فی أقالیم النهار واللیل، المسرح والمرايا، وقت بین الرماد والورد، هذا هو اسمی، منارات، مفرد بصیغه الجمع، کتاب القصائد الخمس، دارالعودة، کتاب الحصار، شهوة تتقدم فی خرائط المادة، احتفاء بالأشیاء الغامضة الواضحة، أبجدیه ثانیة، مفردات شعر، الكتاب (۱-۲-۳)، فهرس لأعمال الريح، أول الجسد آخر البحر، تنبأ أيها الأعمی، تاریخ یتمزق فی جسد امرأة و... .

### بحث

در عرصه ادبیات معاصر، رنگ نه تنها در قالب پدیده‌های طبیعی، بلکه در قالب نماد برای نشان دادن حالات درونی شاعر و به تصویر کشیدن فریاد اعتراض او در قالب وضعیت

نامطلوب جامعه متجلی می‌شود. امروزه رنگ در زندگی و احساسات ما تأثیر بسزایی دارد. شاعران از این عنصر برای عینی‌تر ساختن مفاهیم خود و همچنین کشف و تبیین روابط بین اجزای شعری، بیان مفاهیم نمادین و بیان رموز بین آن‌ها از زبان رنگ‌ها استفاده کرده‌اند.

یکی از عناصر بسیار برجسته‌ای که در حوزه محسوسات، از گذشته‌های دور تاکنون، توجه انسان را به خود جلب کرده و روح او را مسحور خود کرده، رنگ بوده است (ر.ک: بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۱). قیصر امین‌پور و آدونیس شاعرانی هستند که احساسات خود را با استفاده از رنگ‌های مختلف از طریق تصاویری زیبا و بدیع از محیط به تصویر کشیده‌اند. می‌توان استفاده از رنگ در شعر این دو شاعر را به عنوان راهی برای شناخت عوامل گرایش آن‌ها به این موضوع و نیز میزان بکارگیری آن‌ها در این زمینه، و مفاهیم اخلاقی نهفته در رنگ‌های به کار رفته در اشعار آن‌ها را با هم مقایسه کرد. زبان نمادین رنگ فرصت مناسبی را برای این دو شاعر مهیا کرده تا مفاهیمی چون ظلم، خفقان، تبعید، آوارگی، شهادت و آرمان‌گرایی را در پس نقاب رنگی بیان نمایند.

### رنگ سیاه در اشعار امین‌پور و آدونیس

سیاه از رنگ‌های مهمی است که در زبان‌های مختلف حضور زبانی و معنایی فعال دارد در زبان عربی شاعران بسیاری از رنگ سیاه در اشعارشان مدد می‌جویند تا تجارب دردناک و غمگین خود را به وسیله آن تعبیر کنند. سیاه نقطه پایانی است که فراتر از آن چیزی وجود ندارد (لوشر، ۱۳۸۱: ۹۷)، و در زیباشناسی اقوام عرب و قرآن کریم رنگ سیاه به معنی ظلم و ستم و گمراهی و گناه و کینه و خشم و دروغ‌گویی به کار رفته است در نزد عرب‌ها، دیوان، دشمنان و متعلقات آن‌ها و حتی جانوران و مارهای خطرناک معمولاً سیاه یا در جامه سیاه تصور شده‌اند؛ از این‌رو می‌توان گفت که «سیاه» رنگ ماتم و اندوه و تاریکی و مرگ و گناه است. بنابر اعتقاد روان‌شناسان: «رنگ سیاه باعث غرور و در عین حال مشکلات روحی می‌شود، رنگ سیاه رنگ غم است و به همین دلیل در عزاداری استفاده می‌شود، این رنگ همیشه غم و اندوه را در انسان حفظ می‌کند» (فروزان، ۱۳۷۵: ۴۵). لوشر در کتاب خود با عنوان روان‌شناسی رنگ‌ها می‌گوید: «سیاه تیره‌ترین رنگ است و در واقع خودش را نفی می‌کند». رنگ سیاه بیانگر حدود مطلق است که بعد از آن زندگی متوقف می‌شود، بنابراین نشان‌دهنده پوچی و نیستی است. نقطه مقابل سفید است؛ زیرا رنگ سفید شبیه صفحه خالی

است که باید داستانی را بر روی آن نوشت. قیصر امین‌پور، به هیچ عنوان شاعر افسرده‌ای نیست، اما در اشعار قبل از انقلابش از رنگ سیاه استفاده کرده است و به این صورت ناامیدی و استیصال خود را از وضعیت جامعه نشان داده است و افرادی که از رنگ مشکی استفاده می‌کنند، با این رنگ فضای خفقان و وحشت جامعه ایران را در سال‌های قبل از انقلاب به تصویر می‌کشند. قیصر امین‌پور شاعر برجسته انقلاب اسلامی ایران رنگ سیاه را نمادی از ظلم و ستم می‌داند. وی در سروده «حکم آغاز طوفان» چنین می‌سراید: «تیغ مردان خورشید در مشت/ کور سوی شب تیره را کشت» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۵۴).

شاعر در این شعر به مبارزه رزمندگان ایرانی با دشمن تحت عنوان «تیغ مردان خورشید در مشت» اشاره می‌کند، زیرا شب تاریک نماد دشمنی است که این رزمندگان با آن برخورد کردند و به شهادت رسیدند. امین‌پور در شعر «حسرت پرواز» رنگ سیاه را به عنوان نماد غم و اندوه به کار گرفته است: «از روی یکرنگی شب و روزم یکی شد/ هم‌رنگ بختم تیره رخت سوگ و سورم» (همان، ۶۱). رنگ سیاه نمادی از اندوه و غم می‌باشد. امین‌پور در این سروده بخت خود را با رنگ سیاه مقایسه نموده است، رنگی که همیشه در مراسم غم و شادی به تن می‌کند و حتی در جشن‌ها نیز غم و تداوم آن را نشان می‌دهد.

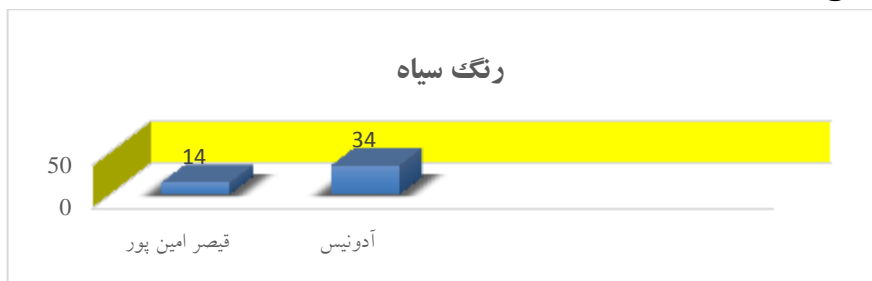
رنگ سیاه در شعر آدونیس حکایت از اندوه و خفقان دارد. آدونیس متأثر از ابوتمام و فضای شعری او بوده و او را الگویی برای تفسیر و افکار ادبی خود می‌داند. «آدونیس از ابوتمام به عنوان نمادی برای روشن کردن تاریکی ناشناخته در رؤیایها استفاده می‌کند» (حسین القاسم، ۲۰۰۰: ۲۱۴). به گفته این شاعر و نیز بشار، ابونواس، ابوتمام و الممتنبی پیشگامان نمادهای شعری هستند، و نیز از جمله نخستین پژوهشگران مجهول مطلق هستند. آدونیس با استفاده از این نمادها به فردیت مرتبط با مدرنیته اشاره می‌کند و در دعوت آشکار خود بر بعد شخصی که جایگزین بعد جمعی می‌شود تأکید می‌ورزد. بر این اساس، فضا به قدری وسیع است که هیچ حد و مرزی وجود ندارد. آدونیس می‌گوید: «جئت إلی بغداد/ فی سعف النخل وماء النّهر/ فی رثء العصفور/ کان أبوتمام/ مشتعلا کالجمر/ خلف شتاء اللیل والاحلام/ یکتب أغنیء/ بالقصب المكسور/ بنجمه المیلاد/ عن رحله الصیف الشتائیة/ سوداء سحریة/ تحیه الآتی إلی بغداد» (آدونیس، ۱۹۸۸: ۸۷/۱).

ترجمه: به بغداد آمدم/ در شاخه‌های خرما و آب رودخانه/ در ریه پرنده/ ابوتما م مثل اخگر می سوخت/ پشت زمستان شب و رؤیا/ آهنگ می سراید/ با نی‌های شکسته/ با ستاره کریسمس/ از سفر تابستانی زمستانی/ سیاه جادویی/ درود بر بغداد.

رنگ سیاه در ابیات فوق آمده است. این ابیات قسمتی از شعر «الصقر» است، و نماد تاریکی و خفقانی است که شاعر «صقر» پس از خروج از آن حالت و رسیدن به نور و روشنایی به آن دست می‌یابد.

مجموعه اول شامل (الصقر) است. بازی ای است که با محرومیت‌ها و محدودیت‌های تحمیل شده مبارزه می‌کند و سعی می‌کند وارد میدان جنگ شود و یوغ بندگی را نمی‌پذیرد و پرچم پیروزی را به دوش می‌کشد و به زادگاهش منتقل می‌کند. آدونیس در این قطعه پرواز باز و گنجشک را یکی می‌داند تا برای بقا بجنگد و معجزه آسایی کند.

مجموعه دوم این قطعه منظوم را ابوتما م یکی از شاعران عصر عباسی تشکیل می‌دهد، شخصیتی که در این قطعه شعری نمایانگر زندگی در سایه سار حکومت عباسی است، که ذلت را خریده و برای رهایی از وضع موجود خود تلاشی نمی‌کند. حقیقت این است که شاعر بر سیاهی که شبیه خفقان است غلبه می‌کند، و این در حالی است که ابوتما م وجود خفقان را در اشعار و مدح خلفای عباسی انکار می‌کند و آن را طبیعی جلوه می‌دهد (ر.ک: الزید، بی‌تا: ۱۸۰).



### رنگ سفید در اشعار امین پور و آدونیس

سفید، رنگ صفا و پاکی و هدایت عشق است. همان طور که بعضی آن را رنگ خیر و حق و عدالت و جلا و روشنی نیز دانسته‌اند و برای برانگیختن احساسات پاک انسانی به کار می‌رود و رنگ سفید ۱۱ بار در قرآن کریم به کار رفته است در بعضی از آیات صفا و صمیمیت روز قیامت وصف شده است و گفته شده چهره صالحین در روز قیامت سفید خواهد بود (ر.ک: قرانیا، ۱۹۹۸: ۱۸) و بنا به نظر شاعر فرانسوی (آرتور رامبو) هر رنگی از احساسی مشخص و



معین تعبیر می‌کند و رنگ سفید بیانگر یأس و ناامیدی و خستگی و درماندگی است (ر.ک: غازی التذمری و الغزّی، بی‌تا: ۴۳).

رنگ سفید معمولاً حالت ایجابی و براق، تمیز، مقدس و بدون آلودگی است. رنگ سفید رنگ صداقت، هدایت، سعادت، آزادی، حقیقت، عدالت و عظمت است. این رنگ در بین همه ملل بیانگر پاکی و صداقت است. اعراب قدیم از عباراتی مانند «الید البیضاء» و «گفتار سفید» و ... استفاده می‌کردند که بر این امر دلالت دارد و از آن برای ستایش کرامت بهره می‌گرفتند و از رابطه بین رنگ‌های سفید، سفید روشن و روشنایی روز در تعبیر خود استفاده می‌کردند، و آن را با عناوینی همچون نقره، شمشیر، زمین بی‌آب و علف، مرگ روز و ... تفسیر می‌کردند (ر.ک: مختار عمر، ۱۹۷۷: ۶۹-۷۰).

قیصر امین‌پور در شعر «همزاد عاشقان ۲» از رنگ سفید استفاده کرده و آن را نماد دیرهایی قرار داده است که صوفیان با حالت راز و نیاز در آن ساکن هستند. وی می‌گوید: «می‌خواهیم از کنار خود برخیزم / تا با تو در سماع در آیم/ این دفتر سفید قدیمی این صفحه / خانقاه من و توست» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۶)

آدونیس از رنگ سفید و بار مثبت معنایی آن غافل نشده است. وی در ابیات خود می‌گوید: «مهیّار وجه خانه عاشقوه/ مهیّار اجرّاس بلا رنین/ مهیّار مکتوب علی الوجوه / أغنیة تزورنا خلسة/ فی طرق بیضاء منفیه/ مهیّار ناقوس من التائهنّ/ فی هذه الارض الجلیلیة» (آدونیس، ۱۹۹۶ الف: ۱۴۶)

ترجمه: مهیّار چهره‌ای که به عاشقان خیانت کرد / زنگ‌های مهیّار بدون آهنگ / مهیّار نوشته شده بر چهره‌ها / آوازی که یواشکی به دیدار ما می‌آید / در جاده‌های سپید تبعید / مهیّار ناقوسی از گم گشتگان / در سرزمین گالیله.

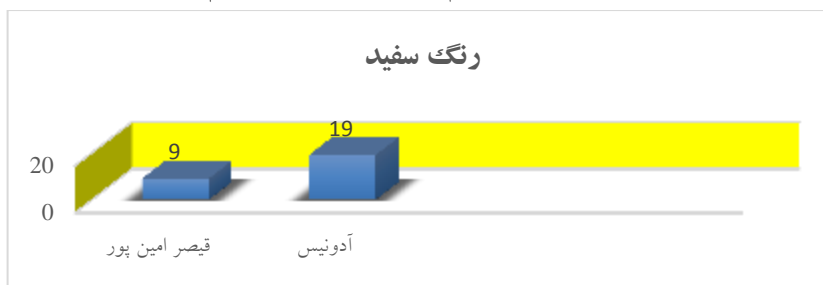
این ابیات نشان‌دهنده علاقه آدونیس به شاعر ایرانی مهیّار دیلمی است، به گونه‌ای که یکی از دفترهای شعری خود را به نام او نامگذاری کرده است. با توجه به وجه تشابهی که آدونیس بین زندگی خود و مهیّار دیلمی مشاهده می‌کرد، می‌بینیم که او توجه زیادی به نام بردن از این شخصیت تاریخی در اشعار خود داشته است؛ زیرا مهیّار در زندگی خود فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته است و موارد مختلفی از جمله فراموشی زبان مادری و گرایش به عربی و در نهایت اعلام برائت و تنفر از اعراب و پذیرش مذهب تشیع و نشان دادن نوعی

سردرگمی از خود را نمایان ساخت. متقابلاً آدونیس نیز با پذیرش ملیت لبنانی و سفرها و ماجراجویی‌های بی‌شمار به نوعی از این سردرگمی رسید. او همیشه در تلاش برای دستیابی به آرامش است تا به مکانی امن برسد.

آدونیس از رنگ سفید به عنوان نمادی برای جاده‌ها و راه‌ها یاد می‌کند و چون رنگ سفید به معنای نور و امید است به رسیدن به این جایگاه خوش‌بین است و در ابیات خود می‌گوید: «لدربی اللابسه الأمواج والجبال/ لوجهی الملیء بالأصداء/ أطفأت آلاف الشموع البيض فی السماء» (آدونیس، ۱۹۸۸: ۳۰۵/۱).

ترجمه: برای تکرارهای پوشیده‌ام به امواج و کوه‌ها/ برای چهره پر از پژواکم/ هزاران شمع سفید را در آسمان خاموش کردم.

آدونیس در این ابیات از رنگ سفید به عنوان صفت برای شمع بهره گرفته است؛ زیرا به ستارگان با صفت شمع اشاره می‌کند و خاموش کردن آن‌ها به معنای تاریک کردن راه بر روی دشمنان است. عبارت «برای چهره پر از پژواکم» به فریاد، غرش و قیام اشاره دارد.



### رنگ آبی در اشعار امین پور و آدونیس

رنگ آبی دلالت‌های فراوان و مختلفی دارد که به عقیده پشبادی از درجات فراوان آن نشأت می‌گیرد؛ به عنوان مثال آبی پررنگ به سیاه نزدیک‌تر است، به همین دلیل کینه و نفرت ایجاد می‌کند، در صورتی که آبی روشن که به آبی آسمانی هم معروف است، با آسمان و آب پیوند دارد و آرامش را در پی دارد (ر.ک: پشبادی، ۱۳۹۳: ۱۱۳). این رنگ از دیدگاه روان‌شناسی معنا و مفهوم آرامش را القاء می‌کند و از نظر فیزیولوژیکی بر رضایت و خشنودی دلالت می‌کند و نشانگر حد و حدودی است که فرد در اطراف خویش بوجود می‌آورد. همچنین نشان‌دهنده احساس تعلق و یکپارچگی است (ر.ک: لوشر، ۱۳۸۱: ۷۹ - ۷۸). این رنگ در میان عبری‌ها جایگاه والایی دارد و یکی از رنگ‌های مقدس محسوب می‌شود. در مناسک دینی بی‌زانس در

قرون وسطی آبی، رنگ لباس دوشیزگان، رمز پاکی و طهارت بود و در تمدن فراعنه از این رنگ که نماد تقدس و پاک بود در دیوارهای بقعه‌ها و عبادتگاه‌ها استفاده می‌شد (ر.ک: متوج، ۲۰۰۴: ۱۸۵). برخی دیگر عقیده دارند که رنگ آبی بر روی سیستم عصبی آدمی تأثیر مثبت و آرامش بخشی دارد. اثری که انسان در هنگام خستگی یا بیماری بدان نیاز دارد. این رنگ مفاهیمی مانند آزادی، صلح، امید و پیروزی، نظم، رضایت، معنویت و ایمان را بیان می‌کند و همدلی و وحدت را نشان می‌دهد (ر.ک: نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۷). لوشر در کتابش می‌گوید: «رنگ آبی نمادین است، شبیه آب آرام و خلق و خوی ملایم است» (لوشر، ۱۳۸۱: ۷۹)، و همچنین این رنگ به عنوان «رنگ صداقت، خرد، عقل و درونگرایی» اعمال می‌شود. رنگ آبی بر اساس اصول رنگ‌شناسی حس بلندا و عمق را در بیننده ایجاد می‌کند. چرا که اوج ایمان به وسعت ژرفای دریاست» (حجتی، ۱۳۸۳: ۹۹).

در قصیده «سرمست رسیدن» امین‌پور پیروزی و آزادی این مسلمانان را بسیار فراتر از وجود زمین دانسته است. در عوض، ماهیت ستاره‌گونه‌اش را تقدیم می‌دارد. شاعر پیروزی واقعی را تقوا توصیف می‌کند: «رفت تا دامنش از گرد زمین پاک بماند/ آسمانی‌تر از آن بود که در خاک بماند/ از دل برکه شب سر زد تابید به خورشید/ تا دل روشن و نیلوفرش پاک بماند/ دل و دامان شب آن گونه ز سوز دم او سوخت/ تا گریبان سحر تا به ابد چاک بماند/ هر چه دیدیم از این چشم همه نقش بر آب است/ نیست نقشی که در آینه ادراک بماند/ جز صدای سخن عشق صدایی نشنیدم / که در این همه گنبد افلاک بماند» (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

امین‌پور زمین را استعاره از کالاهای دنیوی می‌داند و شهدا به خاطر اینکه پیشوایی برای همه انسان‌ها هستند که به آن‌ها تکیه می‌کنند، از این رو پاک و منزّه هستند. وی با کلمه «آسمانی‌تر»، ادعای خود را ثابت می‌کند به این گونه که به دنیا تعلق ندارد، بلکه به دنیایی فراتر می‌اندیشد. شاعر سخنان عشق و آزادی و پیروزی را ماندگار و جاودانه می‌داند و آگاه است که از هر صدای دیگری در این جهان که قیود جاودانگی را در این جهان می‌گستراند و جاودانه می‌کند، ماندگارتر است. او عشق متعالی و الهی را می‌شناسد.

آدونیس در شعر خود در استفاده از رنگ آبی غافل نشده است، او این رنگ را که نماد آزادی است به عنوان علامتی بر روی انگشتان آورده است؛ زیرا انگشتان دست جزئی از دست است که خود نماد قدرت و مبارزه است و انسان با تلاش خود و قدرت دستان به آزادی می‌رسد:

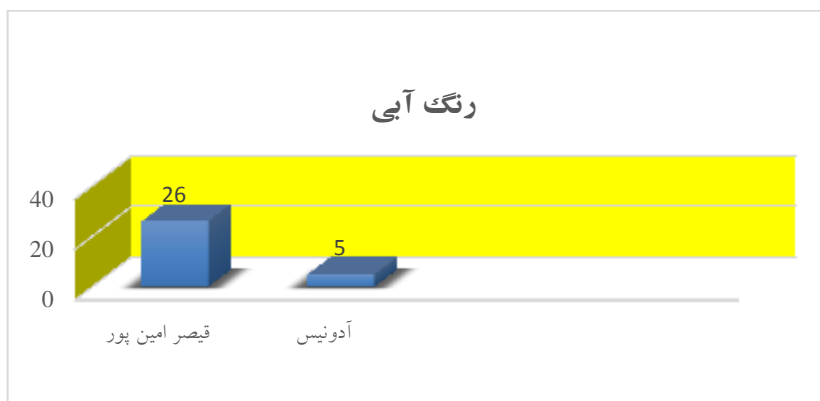
«قلت لأسناني للاظافر الزرقاء/ ليتني معي و استسلمي للموج والهدير/ قلت لها ان تقطع الجبال/ بيني و بين الشاطي الاخير/ لا حد لي لا شاطيء اخير» (آدونیس، ۱۹۸۸: ۳۰۵/۱).

ترجمه: به دندان‌هایم، به ناخن‌های آبی گفتم/ کاش با من باشی و همراه من تسلیم امواج و خروشان باشی/ به او گفتم طناب‌ها را پاره کند/ بین من و آخرین ساحل/ نه پایانی برای من است، و نه ساحل پایان دیگری وجود دارد.

در این ابیات شاعر آرزو دارد که شوکتی آبی، مانند شوکت دشمنان خود داشته باشد تا بتواند خود را از هر نوع وابستگی رها کرده و به آزادی مطلق دست یابد.

آدونیس را یکی از شاعران معاصر همراه با اعتقادی راسخ به آزادی کامل می‌دانند. به عقیده او شعر تنها در فضای باز شکوفا می‌شود و جستجو کردن این لحظه ناب امری شاعرانه است. او از طریق گفت‌وگویی درونی با خود و اعضای بدنش، به دنبال شکستن تمام قید و بندهایی است که در برابر او قرار گرفته‌اند. از این رو در ابیاتش بشار بن برد را می‌بینیم که به عنوان نمادی ادبی ظهور می‌کند، از آنجا که بشار نماد معاصریت در ادبیات است، بر همین اساس آدونیس نیز او را به عنوان نمادی نو و در قالب کسی که جوینده حقیقت اشیاء است، بر می‌گزیند.

او به قدری تحت تأثیر بشار است که تمام کیانش را به لرزه درآورده است. آدونیس در شعر خود از وی به عنوان نماد کسی استفاده کرده که غبار دوران قدیم را از ادبیات عرب زدوده و مروارید آبی یکی از نمادهایی است که آدونیس آن را از داستان‌های عامیانه نقل کرده است، و نماد اوج شعر است و افراد کمی به این سطح می‌رسند و همچون نوری است که انسان در روزگار تاریک به آن به عنوان یک راهنما نیاز دارد تا او را به راه راست هدایت کند» (حسین القاسم، ۲۰۰۰: ۲۱۱).



## رنگ سبز در اشعار امین‌پور و آدونیس

از نظر فیزیولوژیکی رنگ سبز بیانگر انعطاف و کشش در تنش و اضطراب است. از دیدگاه روان‌شناسی نیز نمایانگر هدف و بدنبال آن اراده و عمل است. فردی که این رنگ را برمی‌گزیند، آرزو دارد بر دیگران تأثیر بگذارد.

رنگ‌های روشن، شاد، و رنگ‌های تیره، غم‌انگیز هستند و رنگ سبز آرامش‌بخش و با طراوت است. به گفته روان‌شناسان، «سبز آرامش‌بخش‌ترین رنگ و نشانه زندگی، رشد و جاودانگی است» (الزواهره، ۲۰۰۸: ۲).

این رنگ از ترکیب دو رنگ زرد و آبی به دست می‌آید و رنگی متوسط و متعادل به حساب می‌آید که مانند رنگ زرد اثر آزاردهنده‌ای ندارد و مانند رنگ آبی آرام و منفی و سرد نیست. این رنگ نشان‌دهنده ثبات ایمان و خودشناسی است» (لوشر، ۱۳۸۱: ۸۳). علاوه بر این، رنگ سبز نشان‌دهنده عزم، ثبات و مقاومت در برابر تغییر است. امروزه دانشمندان از رنگ سبز برای درمان بیماری‌های عصبی و اختلالات روانی استفاده می‌کنند و آن را خنک‌کننده، مقیاس نور خورشید، آرام‌بخش و خواب‌آور توصیف کرده‌اند. رنگ سبز برای رفع بی‌خوابی و خستگی بر روی سیستم عصبی مؤثر است. فشار خون را کاهش می‌دهد و مویرگ‌ها را منبسط می‌کند.

از نظر رولاند هارت «سبز رنگ طبیعت، رنگ تعادل قدرت، رنگ رشد ذهنی و جسمی است. سبز نشانه هماهنگی و تأثیر لطیف بر روی سیستم عصبی است» (هانت، ۱۳۷۸: ۸۱). دکتر ماکس فیشر در مورد این تصویر معتقد است «رنگ سبز، بیانگر ویژگی‌های روانی است که منجر به عمل می‌شود، قاطعیت، استقامت و مقاومت را نشان می‌دهد، همچنین نشان‌دهنده ثبات ایمان و هوشیاری است و برای خود شخص در تمام اشکال بیان ارزش زیادی دارد» (لوشر، ۱۳۸۱: ۸۳). «رنگ سبز بیشتر از آنکه سلبی باشد، ایجابی است و منعکس‌کننده معاصریت و پیچیدگی است» (مختار عمر، ۱۹۹۷: ۱۸۵). حال با نگاهی به خواص این رنگ به بررسی اشعار قیصر امین‌پور و آدونیس می‌پردازیم:

از نظر قیصر امین‌پور رنگ سبز مظهر طراوت، جاودانگی و آرامش است: «او را چنان که خواست/ با آن لباس سبز بکارید/ تا چون همیشه سبز بماند/ تا چون همیشه سبز بخواند» (امین‌پور ۱۳۹۸: ۱۸۱).

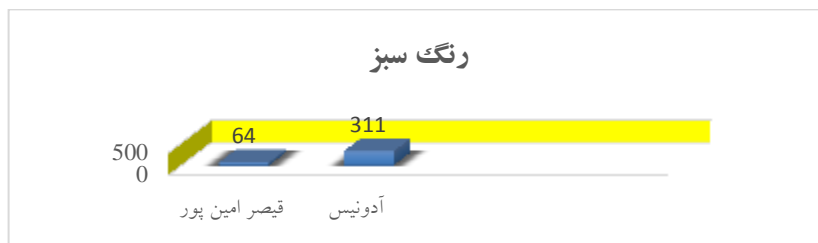
در این سروده سبز نمادی از شهید است که لباس سبز پاسدار انقلاب را پوشیده و قصد دارند وی را با همین لباس دفن کنند؛ با این هدف که تا ابد جاودانه و سبز بماند و سرود جاودانگی بسراید. امین‌پور در بخشی دیگر از قصیده خود، دوباره از رنگ به عنوان نماد شهادت بهره می‌جوید: «افتاد/ انسان که برگ- / آن اتفاق زرد- / می‌افتد/ افتاد/ انسان که مرگ- / آن اتفاق سرد- / می‌افتد، اما/ سبز بود و گرم که افتاد» (همان: ۳۷۲).

فرق بین افتادن برگ با شهادت شهید در این است که برگ با زرد شدن از شاخه می‌افتد و از آن جدا می‌شود، ولی شهید در شعر امین‌پور، فقط بر روی زمین می‌افتد، اما نمی‌میرد. به سخن سنگری امین‌پور با استفاده از جملات احتجاجی - آن رویداد سرد و این رویداد زرد - تفاوت بین این دو را در نظر می‌گیرد. او صراحتاً به مسئله شهید اشاره نکرده و توضیحات اضافه‌ای را مطرح ننموده است. او را می‌بینیم که با حُسن شاعری خود توجه مخاطب را جلب می‌کند (ر.ک: سنگری، ۱۳۸۰: ۲۱۱/۳). ادونیس در اشعار خود به رنگ سبز و کارکردهای ایجابی معنایی آن توجه زیادی نموده است: «الزَّمنُ اخضرَّ، نما، و طال/ أوراق فی الجدران والحصون/ الزمن الأنهار و التلال / الزمن والعيون: / قامات الأشجار ربيعیه / فی غایه الروح الفراتیه.....» (ادونیس، ۱۹۹۶: ۱۱۹-۱۲۰).

ترجمه: زمان سبز و روئیده و طولانی است / برگ‌ها در دیوارها و دژها / زمان رودخانه‌ها و تپه‌ها / زمان و چشمه‌ها: / بلندای درختان بهاری‌اش / در نهایت روح فرات. ادونیس در این قطعه از رنگ سبز برای زندگی استفاده کرده است. همراه شدن این کلمه در کنار کلمه (زمان) به معنای، پیشرفت و توسعه است. این ترکیب به معنای فرا رسیدن فصل میوه‌چینی و جستجوی عظمت گذشته و افتخاری مملو از شکوه است (فوغالی، ۲۰۱۲: ۱۰۱). در جای دیگر از قصیده‌اش می‌گوید: «الزمن استيقظ النهار/ یصرخ بالأغصان والجذور/ یصرخ جاء الشعر/ جاءت سماوات ترابیه/ من غیر هذا الدهر/ خضراء انسیه: / الأفق زنار من البخور/ والارض جنیه» (ادونیس، ۱۹۹۶: ۱۲۰).

ترجمه: زمان روز را از خواب بیدار کرد/ با شاخه و ریشه فریاد می‌زند/ فریاد می‌زند، شعر آمد/ آسمان خاکی آمد/ غیر از این روزگار/ سبز فراموشش کن: / افق کمر بند بخور است / و زمین یک مثقال از اوست.

آدونیس با استفاده از کلمات «بیدار شو و فریاد بزن» آگاهی و تلاش و همچنین با استفاده از کلمه «سبز» طراوت را برای ما، با شیوه‌ای جدید و متفاوت یادآوری می‌کند. کلمه سبز در این بیت به ظهور و انقلاب اشاره دارد؛ زیرا ظهور شعر در این قطعه می‌تواند حکایت از ظهور عصر اندیشه، سنت‌شکنی و بیداری جدیدی باشد.



### رنگ قرمز در اشعار امین پور و آدونیس

هر ملتی بر حسب تجربه خاص خود به رنگ قرمز معنی نمادین خاصی داده است. این رنگ نزد اعراب جاهلی، مورد تنفر بوده؛ به این دلیل که سال‌های خشک و بی‌باران به یاد آنان می‌آورد. سال‌هایی که «السنه الحمراء» نامیده می‌شد، ولی زمانی که از زبان اعراب از محیط صحراها و بیابان‌ها به دیگر مناطق منتقل شد، تصورات آن‌ها از این رنگ تغییر کرد و دگرگون شد و سرخ که بدترین رنگ‌ها بود، مظهر جمال و زیبایی شد؛ به این دلیل که گل سرخ، نیز سرخی شراب را به یاد می‌آورد (ر.ک: شفيعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۷۱-۲۷۰). به گفته روان‌شناسان، قرمز رنگی پر جنب و جوش و محرک است. قرمز برانگیزاننده اراده برای به دست آوردن تمام اشکال اشتیاق برای زندگی و قدرت است، از سرشت آدمی گرفته تا تغییرات انقلابی. رنگ قرمز به طور نمادین به خون ریخته شده در هنگام پیروزی شباهت دارد و همانند آتشی است که در وجود آدمی می‌سوزد، همچون خوی و خلق خونخوار است و مانند طبیعت مردانه است. در واقع درگیری حسی آن به شکل تمایل و اشتهای انسان ظاهر می‌شود که محتوای عاطفی آن اشتیاق است (ر.ک: لوشر، ۱۳۸۱: ۸۷). «قرمز رنگ خجالت، تواضع و عشق است و در بیشتر نقاط جهان تقریباً همین مفهوم را دارد» (بایار، ۲۰۰۲: ۱۳۱).

استفاده از رنگ قرمز در اشعار آدونیس ناچیز است. همان‌طور که در مجموعه ۱۲۰۰ صفحه‌ای او مقدار بهره‌گیری از این رنگ کم است. امین پور در شعر «حماسه بی‌انتهای» به خیانت عناصر فروخته شده توسط منافقین در جنگ تحمیلی اشاره می‌کند:

شد پاره پاره پیرهن سرخ لاله‌ها ابر سیه گریست به داغ عزای ما

آنک نگاه کن که ز خون نقش بسته است      بر اوج قله‌های خطر جای پای ما  
ماندند هم‌رهان من همه در ودای نخست      جز سایه‌ها نماند کسی در قفای ما  
از خار راه و ظلمت وادی غمین باش      خضر است در طریق طلب رهنمای ما  
(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۰۲)

«پیراهن سرخ لاله‌ها» استعاره از شهدای وطن است. «خار راه و ظلمت وادی» نماد تجاوز و ظلم دشمن است که شاعر مردم را از ناامیدی بر حذر می‌دارد. اما شاعر امید و آرزوی پیروزی را از دست نمی‌دهد و با کمال افتخار از شجاعت خود و ملتش می‌گوید و ابراز امیدواری می‌کند. به نظر شمیسا لاله‌ها قرمز و آتشین هستند؛ بنابراین با خون سازگار هستند (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۷: ۹۹). قیصر در نمونه‌های دیگر از اشعارش از این رنگ به عنوان نماد لاله شهید استفاده کرده است.

وی در اشعار خود را رنگ‌های مختلف را به تصویر می‌کشد که در این میان بیشترین سهم مختص به رنگ قرمز است: «روزی دگر گذشت / امروز باز ما / در غایت غروب / یک آفتاب سرخ جنوبی را / بر شانه‌هایمان به نهایت خواندیم» (امین پور، ۱۳۶۰: ۲۹-۳۰). امین پور در این سروده تلاش نموده تشییع پیکر شهیدان را وصف نماید. وی شهید را به خورشید مانند کرده است. خورشید سرخ رنگ جنوب و با همین رنگ سرخ شهادتش را به تصویر کشیده است و در سروده «مرز بودن» از رنگ قرمز برای توصیف جاودانگی در مرگ سرخ یعنی شهادت استفاده می‌کند:

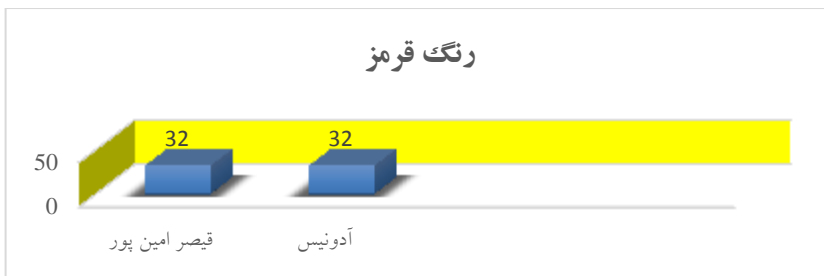
کو عمر خضر؟ رو طلب مرگ سرخ کن      کاین شیوه، جاودانه‌ترین طرز بودن است  
(امین پور، ۱۳۹۰: ۳۹۵)

در رابطه با کاربرد رنگ قرمز در اشعار آدونیس نیز باید به نمونه‌های زیر استناد کرد: «سافر معی و اظهر هنا... وغب هنا... / واسأل معی یا نهر الکلام / عن صدف یموت کی یصیر / سحابه حمراء / تمطر» (آدونیس، ۱۹۹۶: ۳۳۸).

ترجمه: «با من سفر کن و در اینجا ظاهر شو... و برو از اینجا... / و از من بپرس، ای رودخانه سخن، / از صدفی که می‌میرد تا تبدیل شود به / ابر سرخ / که می‌بارد».

پیچیدگی و ابهام در ابیات فوق، به این صورت نمایان است که «ابر سرخ» در این شعر، پدیده‌ای مبارک و فرخنده نیست. بلکه نوید آمدن روزهای بد را می‌دهد.





### رنگ زرد در اشعار امین پور و آدونیس

رنگ زرد یکی از رنگ‌های گرم است و اوج درخشش، تابندگی، تالائو را نشان می‌دهد. این رنگ درخشان‌ترین رنگ‌ها است. زیرا رنگ خورشید منبع نور و منبع گرما و حیات و فعالیت و شادی است (ر.ک: شکری، ۱۹۸۵: ۵۰). رنگ زرد به دلیل همراهی با رنگ سفید با درخشندگی و سرزندگی همراه است و یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن تالائو و روشنایی به شمار می‌آید (ر.ک: مختار عمر، ۱۹۹۷: ۱۸۴) و رنگ کرامت، آرامش، آسایش، صداقت، خرد، اخلاص و اندیشه است که انسان را به تخیلات آرام و تأملات درونی دعوت می‌کند (ر.ک: الشاهر، ۲۰۰۲: ۴). از ویژگی‌های اصلی آن می‌توان به درخشندگی، کیفیت قابل توجه و لذت از تکرار آن اشاره کرد. زرد نمادی از وسعت بدون مانع، سهولت راحتی است (ر.ک: لوشر، ۱۳۸۱: ۹). در فرهنگ و ادب فارسی رنگ جاودانگی و جادو و در فرهنگ جهانی رنگ خیانت و ناامیدی و مصیبت است (ر.ک: نیکویخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۹). قیصر امین‌پور این رنگ را در ابیات زیر به کار برده است:

سرپا اگر زرد و پژمرده‌ایم	ولی دل به پاییز نسپرده‌ایم
چو گلدان خالی لب پنجره	پر از خاطرات ترک خورده‌ایم
اگر داغ دل بود، ما دیده‌ایم	اگر خون دل بود، ما خورده‌ایم
اگر دل دلیل است، آورده‌ایم	اگر داغ شرط است، ما برده‌ایم

(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۰۱)

در این قصیده با وجود پژمردگی و زردی، شاعر همچنان قوی و استوار است و از پاییز نمی‌هراسد. در این سروده، رنگ زرد، نماد از پیری، ضعف، درماندگی و اندوه است. شاعر معتقد است که با همه این مشکلات، ناامید نشده است و در قصیده باران زرد «شاعر جنایات دشمن را در بمباران شیمیایی شهرهای ایران توسط نیروهای دشمن و رژیم بعث عراق به

رهبری صدام حسین نشان می‌دهد که شهرهای خوزستان مانند دزفول، خرمشهر و ... را ویران کرد.

«اخبار تازه را نشنیدی؟- گفتند:/ وضع هوا خراب است/ گفتند: آسمان آنجا ابری است- گفتند:/ سقف‌های کاذب سربی/ گفتن آسمان همه جا ابری است/ باران زرد، باران شیمیایی می‌بارد- گفتند:/ گل‌های شرحه شرحه ما را/ با داغ‌های کهنه مادر زاد/ تشریح می‌کند» (همان: ۳۳۲-۳۳۱). «خراب بودن هوا» حکایت از وضعیت بد محیط شاعر دارد و «آسمان هیمة جا ابری است» به ظلم و ویرانی و آشفتگی در جامعه اشاره دارد که باعث خفقان شده است تا جایی که ابرهای (ناامیدی) همه جا را فرا گرفته است. باران زرد نماد بمباران شیمیایی، اشاره‌ای به بمباران شهرها و شلیک بمب از سوی دشمن است. «گل‌های شرحه شرحه» استعاره از شهدای غرق در خون در راه وطن، آزادی و عقیده است.

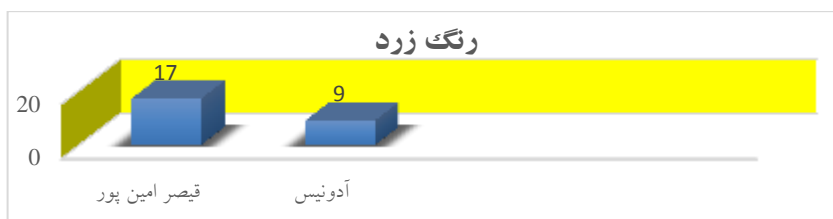
بر این زین خالی، یلی چون تو باید      من آن دل ندارم، چه دردی! چه دردی!  
نه من پر کنم جای همچون تویی را      کجا پر شود جای گردی به گردی؟  
(امین پور، ۱۳۹۰: ۳۹۸)

قیصر با استفاده از علامت‌گذاری زیبا بین دو کلمه «گرد و گرد» حکایت از بی‌ارزشی آن‌ها و دلاوری شهدا دارد. دلیل رد شهادت عدم موفقیت و شایستگی تلقی می‌شود.

آدونیس نیز در راستای کاربست رنگ زرد در شعر «قدم الاطفال» می‌گوید: «أعطی لك الألعاب/ والحلم والدفاتر الصفراء/ والحرف والكتابة/ فی غرف الحکمة والأمثال» (آدونیس، ۲۲۸).

ترجمه: به تو بازی می‌دهم/ و رؤیایها و دفترهای زرد/ و الفبا و نوشتن/ در اتاق‌های حکمت و ضرب‌المثل‌ها.

واژگان اشعار حماسی انقلاب دارای قوت و انسجام است و همین ویژگی زبانی باعث شده است که این اشعار از زبان شاعرانه و احساسی محض فاصله بگیرند و تردد حماسی در آن‌ها شاداب‌تر نمایان شود.



## نتیجه‌گیری

یکی از جلوه‌گاه‌های رنگ که نمودی بسیار خلاقانه در آن دارد، هنر و ادبیات است و بر این اساس به وفور توجه پژوهشگران مختلف حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را به خود جلب کرده است. رنگ از مهم‌ترین پدیده‌ها و عناصری است که تصویر ادبی را تشکیل می‌دهد؛ زیرا با تمام زمینه‌های زندگی ارتباط محکم دارد و با علوم طبیعی، روان‌شناسی، دین، فرهنگ، ادبیات، هنر و اسطوره سخت در ارتباط است و از مهم‌ترین ارکان تصویرگری شعر محسوب می‌شود و شاعران در نقل تجربه شعری از تنوع، ظرافت و تأثیرگذاری آن به وفور استفاده می‌کنند.

به طور کلی می‌توان گفت در شعر قیصر امین‌پور رنگ سیاه نماد ویرانی و نابودی، موجود در سطح جامعه است که عامل آن، انسان‌های حیوان صفت هستند با نگاهی با اشعار آدونیس می‌توان گفت که رنگ سیاه، دوران نکبت، شاعر را به تصویر می‌کشد که وی سعی دارد از آن وضعیت رها گردد و به زندگی سراسر از نور و آزادی قدم نهد و یا این که رمز دوران خفقان سیاسی و اجتماعی است که همه اقشار جامعه، خواهان رهایی از این وضعیت هستند و آرزوی جامعه آزاد و سراسر از نور را در دل می‌پروراند. در شعر قیصر امین‌پور رنگ قرمز بیشتر با مفهوم عرفی آن که همان خون جوانان و مفهوم شجاعت است پیوند خورده، ولی در شعر آدونیس رنگ قرمز نشان‌دهنده کینه و خشمی است که در نتیجه ظلم و ستم به وجود آمده است. رنگ سبز در شعر قیصر امین‌پور نماد عشق به معنی تأمل و اندیشه در ارزش اشیاء و ارزش انسان و همچنین به مفهوم خوشبختی و آزادی نیز هست اما نزد آدونیس بیانگر تجدید حیات و رشد و زایش و نیز نماد خوشحالی، شادی، آرامش، رحمت و راحتی است. در اشعار قیصر امین‌پور رنگ سفید بیشتر با مسائل معنوی پیوند خورده و مفهوم عبادت و وحدانیت را تداعی کرده است، اما در اشعار آدونیس این رنگ دال بر مفهوم صفا، صمیمیت، شادی و پاکدامنی و همچنین به معنی آرامش کامل و خالص است. قیصر امین‌پور به هنگام استفاده از رنگ آبی بیشتر به جنبه آرامش‌بخش بودن این رنگ از نظر روحی نظر دارد که در حقیقت تأثیر فردی این رنگ می‌باشد، اما آدونیس از این رنگ برای بیان و به تصویر کشیدن مقوله آزادی جمعی و اجتماعی استفاده کرده و همین امر سبب تفاوت کاربست این رنگ در اشعار این دو شاعر شده است.

## منابع

### کتاب‌ها

#### قرآن کریم.

- ابراهیم سلیم، فکری (۲۰۰۹) فن الرباعی عند القیصر امین پور، قاهره: مصر.
- آدونیس، أحمد سعید علی (۱۹۸۸) الأعمال الشعرية الكاملة، بیروت: دار العوده.
- آدونیس، أحمد سعید علی (۱۹۹۴) أجدیة ثانية، دارالبیضاء: دار توبقال.
- آدونیس، أحمد سعید علی (۱۹۹۶ الف) الأعمال الشعرية، دمشق: دار المدى للثقافة والشعر.
- آدونیس، أحمد سعید علی (۱۹۹۶ ب) الكتاب ۱، بیروت: دار الساقی.
- امین پور، قیصر (۱۳۸۶) آئینه‌های ناگهان، تهران: افق.
- امین پور، قیصر (۱۳۸۷) دستور زبان عشق، تهران: مروارید.
- انوشه، حسن (۱۳۷۶) فرهنگنامه ادب فارسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حجتی، محمد امین (۱۳۸۳) اثر تربیتی رنگ، قم: جمال.
- حسین القاسم، عدنان (۱۹۸۲) سيكولوجية إدراك اللون و الشكل، بغداد: دار الرشید.
- حسین القاسم، عدنان (۲۰۰۰) الإبداع و مصادره الثقافية عند أدونيس، نصر: الدار العربية للنشر و التوزيع.
- الخیر، هانی (۲۰۰۶) أدونيس شاعر الدهشة و كثافة الكلمة، دمشق: داررسلان للطباعة والنشر و التوزيع لسوريا.
- الزواهره، هزاع (۲۰۰۸) اللون و دلالاته في الشعر، الأولى، اردن: دارالمحامد للنشر و التوزيع.
- سان، هوارد و دورتی (۱۳۷۶) زندگی با رنگ، ترجمه نغمه صفاریان، تهران: حکایت.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰) نقد و بررسی ادبیات مظلوم دفاع مقدس، تهران: پالیزان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰) صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- شکری، عبدالوهاب (۱۹۸۵) الإضاءة المسرحية، القاهرة: الهيئة العامة المصرية للكتاب.
- غازی التذمری، محمد و یاسین الغزوی (بی تا) نظرات في الادب العربي الحديث، مصر: دارالإرشاد.
- قرانیا، محمد (۱۹۹۸) ظاهرة اللون في القرآن الكريم، مكتبة الالکترونية عين الجامعة.
- لوشر، ماکس (۱۳۸۱) روان شناسی رنگ‌ها، ترجمه ویدا ابی زاده، تهران: درسا.

مختار عمر، أحمد (۱۹۹۷) *اللغة واللون، القاهرة: عالم الكتب*.

ندا، طه (۱۳۸۰) *ادبیات تطبیقی، تهران: فرزانه*.

هانت، رولاند (۱۳۷۸) *هفت کلید رنگ درمانی، تهران: جمال الحق*.

## مقالات

آیت‌الله زاده شیرازی، مرتضی. (۱۳۶۲). ادبیات تطبیقی تعریف و موضوع. *مقالات و بررسی‌ها*، ۱۵ (۳۸)، ۸۵-۱۰۴.

الشاهر، عبدالله. (بی تا). الأثر النفسی للون. *الموقف الأدبی*، (۷)، ۳-۱۲.  
بیرانوند، نسرین، آریان، حسین، کاظم خانلو، ناصر. (۱۳۹۵). نماد رنگ و حس‌آمیزی آن در تصویرسازی‌های اخوان ثالث. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۸ (۲۷)، ۹۱-۱۲۲.

پشابادی، یدالله. (۱۳۹۳). دلالت‌شناسی رنگ و جایگاه آن در مبانی ادبیات پایداری (نمونه مورد پژوهش: نزار قبانی). *ادبیات پایداری*، ۶ (۱۰)، ۹۱-۱۱۹. doi: 10.22103/jrl.2014.774.  
نیکوبخت، ناصر، قاسم‌زاده، سیدعلی. (۱۳۸۴). زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر. *ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ۱۲ (۱۸)، ۲۰۹-۲۳۹.

## پایان‌نامه

فوغالی، وهیبه (۲۰۱۲) *الانزیاح فی شعر سمیح القاسم (قصیده عجائب قانا الجدیده أنموذجا)*، رساله ماجستير، كلية الآداب و اللغات، جامعة البويرة، إشراف محمد الهادی بوطارن.

## References

### Books

*The Holy Quran*.

Adonis, Ahmad Saeed Ali (1994) *Abjadiyt saniyat*, Dar Al-Bayza: Dar Al-Tobqal.

Adonis, Ahmad Saeed Ali (1996a) *Poetic Works*, Damascus: Dar Al-Madi for Culture and Poetry.

Adonis, Ahmad Saeed Ali (1996b) *Book 1*, Beirut: Dar Al-Saqi.

Adonis, Ahmad Saeed Ali (1998) *Complete Poetry Works*, Beirut: Dar Al-Awda.

Al-Khair, Hani (2006) *Adonis, the poet of the decade and the filth of the word*, Damascus: Dar al-Salaman for printing, publishing and distribution in Syria.

Al-Zawahiri, Haza (2008) *Al-Lwan and its Signs in Poetry*, Jordan: Dar Al-Muhammad for Publishing and Distribution.

Aminpour, Qaisar (2007) *Sudden Mirrors*, Tehran: Ofogh.

Aminpour, Qaisar (2008) *Grammar of Love*, Tehran: Morvarid.

Anousheh, Hassan (1997) *Dictionary of Persian Literature*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Ghazi al-Thammari, Muhammad and Yasin al-Ghazzi (No date) *Comments on Arabic Hadith Literature*, Egypt: Dar al-Irshad.

Hojjati, Mohammad Amin (2004) *Rang Educational Work*, Qom: Jamal.

Hunt, Roland (1999) *Seven Keys to Color Therapy*, Tehran: Jamal al-Haq.

Hussein Al-Qasim, Adnan (1982) *The Psychology of Perception of Form and Formation*, Baghdad: Dar al-Rasheed.

Hussein Al-Qasim, Adnan (2000) *Innovation and confiscation of culture during Adonis*, Nasr: Al-Dar Al-Arabiya for publishing and distribution.

Ibrahim Salim, Fikri (2009) *Al-Ruba'i at Al-Qaisar Aminpour*, Cairo: Egypt.

Luscher, Max (2002) *Psychology of Colors*, translated by Vida Abizadeh, Tehran: Dersa.

Mukhtar Omar, Ahmad (1997) *Language and Literature*, Cairo: Book World.

Neda, Taha (2001) *Comparative Literature*, Tehran: Farzan.

Qur'an, Muhammad (1998) *The appearance of the soul in the Holy Qur'an*, Electronic Library's on the public.

Sangari, Mohammad Reza (2001) *A Critique of the Oppressed Literature of the Holy Defense*, Tehran: Palizan.

Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (2001) *Images of Imagination in Persian Poetry*, Tehran: Agah.

Shukri, Abdul Wahab (1985) *The Expedition*, Cairo: The Egyptian Public Library.

Sun, Howard and Dorty (1997) *Life with Color*, translated by Naghmeh Saffarian, Tehran: Anecdote.

#### **Articles**

Ayatollah Zadeh Shirazi, M. (1983). Comparative literature definition and subject. *Articles and Reviews*, 15(38), 85-104.

Beyranvand, N., Arian, H., Kazem Khanloo, N. (2016). Symbolic Colors and Synaesthesia in Mehdi Akhavan Saless's Imagery. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 8(27), 91-122.

Peshabadi, Y. (2014). Colors as Symbols in Resistance Literature: Nizar Ghabani, a Case Study. *Resistance Literature*, 6(10), 91-119. doi: 10.22103/jrl.2014.774.

Shaher, Abdullah. (No date). The psychological effect of color. *Literary Position*, (7), 3-12.

Nikobakht, N., Ghasemzadeh, S.A. (2005). Symbolic Backgrounds of Color in Contemporary Poetry, *Literature and Humanities of Shahid Bahonar University of Kerman*, 12(18), 209-239.

#### **Theses**

Foghali, Wahiba (2012) *Displacement in the Poetry of Samih Al-Qasim (The New Wonders of Qana Poem as a Model)*, Master Thesis, Faculty of Arts and Languages, University of Bouira, supervised by Muhammad Al-Hadi Boutarn.

## A study of color in contemporary Persian and Arabic literature (a case study of the poems of Qaisar Aminpour and Adonis)

Elham Karimi<sup>1</sup>, Dr. Rahime Cholanian<sup>2</sup>, Dr. Sohad Jadri<sup>3</sup>

### Abstract

The basic elements in literary images and imaginary forms, such as metaphor, simile, irony, metaphor, matching of the senses, etc., depend on colors; color has an important and prominent place; Because it gives literary words dimension, direction and depth and also its great impact on our lives and spirits is evident, poets use this element to give objectivity to their literary concepts. The abundant effect of colors has encouraged many researchers to study their effects and dimensions, both positive and negative, and each of them is trying to show these effects to others. In this article, an attempt has been made to study color as one of the main and important elements in contemporary literature, especially in the poems of Adonis and Qaisar Aminpour, by descriptive-comparative method, and also to evaluate the poems of these two Syrian and Iranian poets. The most obvious achievement of this research is that these two poets used six colors of black, white, blue, green, red and yellow with different committees to reflect and express different intentions and themes that were often due to the social conditions of the society. Their symbolic use was used to add to the richness of their poems.

**Keywords:** Color, Comparative Literature, Contemporary Literature, Qaisar Aminpour, Adonis.

<sup>1</sup> . PhD student, Department of Arabic Language and Literature, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran. Kariminews@yahoo.com

<sup>2</sup> . Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran. (Corresponding author) Ra.Choulanian1349@iau.ac.ir

<sup>3</sup> . Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran. sohad.jadri@iau.ac.ir